



10.48315/QGL.2026.583614.1397

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره چهارم (پیاپی ۲۲)، زمستان ۱۴۰۴، صص. ۲۱۰-۱۹۳

اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی

عباسعلی اکبری*

علی آقاپور**

اسماعیل شیخان***

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

جرایم اقتصادی به دلیل پیچیدگی، سازمان‌یافتگی، آثار گسترده بر نظم و امنیت اقتصادی و دشواری کشف و تعقیب، مستلزم اتخاذ سازوکارهایی متفاوت از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری هستند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران و تحلیل مبانی و کارکردهای آن‌ها انجام شده است. این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه قانون‌گذار ایران عنوان مستقلی تحت عنوان «اصول دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی» پیش‌بینی نکرده، اما با تحلیل قوانین خاص می‌توان مجموعه‌ای از اصول ویژه را استخراج کرد که بیانگر سیاست جنایی افتراقی در این حوزه است. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: اصل برائت مشروط که با پیش‌بینی امارات قانونی، قلمرو اعمال اصل برائت را در برخی جرایم اقتصادی محدود می‌سازد؛ اصل الزام به اعلام جرم که با تکلیف قانونی برخی اشخاص و مقامات به گزارش جرایم اقتصادی، فرآیند کشف و تعقیب را تقویت می‌کند؛ اصل الزام به انتشار اسامی محکومان که با هدف افزایش شفافیت، اعتماد عمومی و بازدارندگی، انتشار حکم محکومیت را در موارد مقرر الزامی می‌داند؛ اصل تمرکزگرایی در رسیدگی‌ها که با اختصاص صلاحیت به مراجع قضایی مشخص، انسجام، هماهنگی و کارآمدی رسیدگی را ارتقا می‌بخشد؛ اصل تسریع در رسیدگی که از طریق پیش‌بینی سازوکارهای ویژه، بر انجام تحقیقات و رسیدگی در مدت متعارف و بدون وقفه‌های غیرضروری تأکید دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دادرسی جرایم اقتصادی در حقوق ایران بر مجموعه‌ای از قواعد افتراقی استوار است که هدف اصلی آن‌ها ایجاد تعادل میان حفظ تضمین‌های بنیادین دادرسی منصفانه و افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی است.

واژگان کلیدی

جرایم اقتصادی، دادرسی افتراقی، آیین دادرسی کیفری، انتشار اسامی محکومان، تمرکزگرایی در رسیدگی.

* استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

abbasali.akbari@iauasrb.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

aliaghapour65@gmail.com

*** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، ارس، ایران (نویسنده مسئول).

sheykhannesmaeil6@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

مقدمه

گسترش جرایم اقتصادی در دهه‌های اخیر، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام‌های عدالت کیفری تبدیل شده است. این دسته از جرایم، به دلیل ماهیت پیچیده، سازمان‌یافته و غالباً فراملی خود، علاوه بر ایراد خسارت‌های مالی گسترده، آثار عمیقی بر امنیت اقتصادی، اعتماد عمومی، سلامت نظام اداری، رقابت سالم اقتصادی و توسعه پایدار بر جای می‌گذارند. از این رو، مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی مستلزم اتخاذ تدابیر ویژه‌ای است که صرفاً در چارچوب قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری قابل تحقق نیست. به همین دلیل، بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی ایران، با وضع قوانین خاص و پیش‌بینی سازوکارهای متفاوت، به سمت شکل‌گیری دادرسی افتراقی در این حوزه حرکت کرده‌اند.

دادرسی افتراقی، ناظر بر مجموعه قواعد و سازوکارهایی است که با توجه به ویژگی‌های خاص برخی جرایم یا مرتکبان، از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری فاصله گرفته و ترتیبات ویژه‌ای را برای تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرای احکام پیش‌بینی می‌کند. با این حال، افتراقی بودن دادرسی نباید به معنای نفی اصول بنیادین دادرسی منصفانه تلقی شود، بلکه هدف آن ایجاد تعادل میان حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی از یک سو و تأمین منافع عمومی و تضمین کارآمدی نظام عدالت کیفری از سوی دیگر است. در حوزه جرایم اقتصادی نیز قانون‌گذار ایران، در قوانین مختلف از جمله قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و سایر مقررات خاص، قواعدی را وضع کرده که بیانگر عدول از برخی قواعد عمومی دادرسی کیفری و استقرار نظامی افتراقی در رسیدگی به این دسته از جرایم است.

با وجود این، مقررات یاد شده به صورت پراکنده در قوانین مختلف پیش‌بینی شده و تاکنون کمتر پژوهشی به استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل آن‌ها در قالب «اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی» پرداخته است. این پراکندگی، شناسایی مبانی نظری و سیاست تقنینی حاکم بر این مقررات را با دشواری مواجه ساخته و ابهاماتی را در خصوص قلمرو، مبانی و آثار این اصول به وجود آورده است. از این رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا در نظام حقوقی ایران می‌توان مجموعه‌ای منسجم از اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی را از قوانین و مقررات موضوعه استخراج کرد و مهم‌ترین این اصول کدام‌اند؟ همچنین، این پرسش مطرح می‌شود که قانون‌گذار ایران تا چه اندازه در تدوین قواعد دادرسی جرایم اقتصادی، میان ضرورت مقابله مؤثر با این جرایم و رعایت تضمین‌های دادرسی منصفانه تعادل برقرار کرده است؟

فرضیه پژوهش آن است که هرچند قانون‌گذار ایران عنوان مستقلی تحت عنوان «اصول

دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی» ارائه نکرده است، اما با بررسی قوانین خاص می‌توان مجموعه‌ای از اصول ویژه را استنباط کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصل برائت مشروط، اصل الزام به اعلام جرم، اصل الزام به انتشار اسامی محکومان، اصل تمرکزگرایی در رسیدگی‌ها و اصل تسریع در رسیدگی. این اصول بیانگر آن است که سیاست جنایی تقنینی ایران، به‌منظور افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی، در مواردی از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری فاصله گرفته و سازوکارهای ویژه‌ای را پیش‌بینی کرده است، بی‌آنکه لزوماً اصول بنیادین دادرسی منصفانه را کنار بگذارد.

بر همین اساس، هدف این پژوهش، شناسایی، تبیین و تحلیل اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی در حقوق ایران و ارزیابی مبانی و آثار آن‌ها در پرتو سیاست جنایی تقنینی است تا از رهگذر آن، تصویری منسجم از نظام دادرسی ویژه جرایم اقتصادی و جایگاه آن در نظام عدالت کیفری ایران ارائه شود.

۱. مفهوم‌شناسی

هر پژوهش حقوقی، به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی هم‌چون آیین دادرسی کیفری، مستلزم تبیین دقیق مفاهیم بنیادینی است که چارچوب نظری پژوهش بر آن‌ها استوار است. ابهام یا اختلاف در برداشت از مفاهیم، می‌تواند به تفاوت در تحلیل‌ها، تفسیر قواعد حقوقی و حتی نتایج پژوهش منجر شود. ازاین‌رو، پیش از بررسی اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی، لازم است مفاهیم اصلی این پژوهش به‌صورت مستقل مورد تحلیل قرار گیرند.

در این راستا، نخست مفهوم «جرایم اقتصادی» از منظر اصطلاحی بررسی می‌شود تا حدود و ثغور این دسته از جرایم و ویژگی‌های متمایز آن‌ها مشخص گردد. سپس مفهوم «اصول حاکم بر دادرسی کیفری» تبیین خواهد شد؛ زیرا شناخت مبانی و اصول بنیادین دادرسی، پیش‌نیاز تحلیل قواعد افتراقی و ارزیابی مشروعیت و کارآمدی آن‌ها در رسیدگی به جرایم اقتصادی است. بدین ترتیب، مفهوم‌شناسی این دو مقوله، مبنای نظری لازم برای بررسی ویژگی‌ها و الزامات دادرسی افتراقی در جرایم اقتصادی را فراهم می‌آورد.

۱-۱. مفهوم‌شناسی جرایم اقتصادی

ارائه تعریفی جامع و مانع از جرایم اقتصادی همواره با دشواری‌های نظری و عملی همراه بوده است (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۲۸). ازاین‌رو، بسیاری از نظام‌های حقوقی از ارائه تعریف قانونی و صریح برای این دسته از جرایم خودداری کرده‌اند. علت اصلی این امر، گستردگی و تنوع حوزه‌هایی است که جرایم اقتصادی در بر می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که این مفهوم قلمروهایی

همچون حقوق کیفری کسب و کار، جرایم مالیاتی، حمایت کیفری از مصرف کنندگان، جرایم مرتبط با بازار کار و سایر حوزه‌های اقتصادی را شامل می‌شود.^۱

در نظام حقوقی ایران در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن بدون تعریف جرم اقتصادی، فهرستی از این جرایم مانند کلاهبرداری و جرایم مرتبط با حقوق مالی دولت احصا شده است. بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، شمول مرور زمان را نسبت به جرایم اقتصادی منع کرده و در تعیین مضادیق این دسته از جرایم مقرر کرده، جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی است (رستمی، ۱۳۹۷: ۱۵۵). ماده ۳۶ قانون مذکور در خصوص انتشار حکم محکومیت قطعی برخی از جرایم است که در تبصره آن، انتشار حکم قطعی ۱۳ دسته از جرایم را که میزان مال موضوع جرم، به صورت الزامی مورد حکم قرار داده است.^۲ وفق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مذکور این ۱۳ دسته جرم به همراه کلاهبرداری ذیل عنوان «جرایم اقتصادی» قرار گرفته‌اند. «الف- رشا و ارتشا، ب- اختلاس، پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ثد تبانی در معاملات دولتی، ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح- جرایم گمرکی، خ- قاچاق کالا و ارز، د- جرایم مالیاتی، ذ- پولشویی، ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

۱. گستره کمی و کیفی بزهکاری اقتصادی، تا اندازه زیادی ماهیت نظام سیاسی- اقتصادی کشورها و کیفیت حکمرانی دولت‌ها است؛ در جوامع مردم‌سالار به لحاظ وجود دموکراسی سیاسی و اقتصادی، حضور کنشگران بخش خصوصی در بزهکاری کسب و کار از جمله جرایم اقتصادی بیشتر است؛ در مقابل، کنشگران دولتی، به لحاظ حکمرانی سیاسی- اقتصادی شفاف، حضوری کم‌رنگ در حوزه فساد دارند؛ فساد در جوامع اقتدارگرا با انسداد سیاسی، اقتصاد دولتی، انحصار قدرت، عدم گردش قدرت و جابجایی دوره‌ای صاحبان قدرت و نیز انتصاب‌های حزبی جناحی و ایدئولوژیک مدیران و مسئولان بسیار گسترده‌تر و بیشتر از گونه دولتی یا مرتبط با آن است. ساختارهای سیاسی و اقتصادی بسته، زمینه سوء استفاده از قدرت سیاسی و اختیارات اقتصادی- مالی متولیان را هموار می‌کند چندان که فساد در چنین جوامعی ناشی از ساختارها و نحوه گزینش مدیران و شیوه حکمرانی سیاسی- اقتصادی حاکمان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۲).

۲. علاوه بر منع مرور زمان و انتشار حکم قطعی محکومیت به شرح فوق، بند «ج» ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در مورد جرایم اقتصادی (به استثنای جرم کلاهبرداری) با مبلغ بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال را منع کرده است. به جز این سه ماده در سایر موارد به جرایم اقتصادی پرداخته نشده است.

شکل نگارش شده ماده به صورتی است که این انطباق، حصری است و مانع اطلاق عنوان «جرم اقتصادی» به سایر جرایم می شود. از این رو سایر رفتارهای محل اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرایم مذکور نباشد، به همان اندازه که اهمیت داشته باشند، عنوان «جرم اقتصادی» ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون مجازات اسلامی نخواهند بود (حسینی و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۳).

یکی از مهم ترین انتقادهای وارد بر سیاست کیفری ایران در زمینه تعریف جرایم اقتصادی، فقدان جامعیت و انسجام در تعیین مصادیق این دسته از جرایم است. از یک سو، برخی رفتارهای مجرمانه که ماهیت اقتصادی آشکاری دارند، از جمله جرایم مرتبط با بازار سرمایه و اوراق بهادار، در قلمرو این تعریف جای نگرفته اند. از سوی دیگر، برخی عناوین مجرمانه که ذاتاً واجد ماهیت اقتصادی نیستند و صرفاً ارتباط تبعی یا غیرمستقیمی با جرایم اقتصادی دارند، مانند خودداری مقامات رسمی از اعلام وقوع این جرایم، در زمره جرایم اقتصادی محسوب شده اند. این رویکرد، مرزهای مفهومی جرایم اقتصادی را با ابهام مواجه ساخته و از انسجام سیاست کیفری در این حوزه کاسته است.

۲-۱. مفهوم شناسی اصول حاکم بر دادرسی کیفری

اصول حاکم بر دادرسی کیفری به ویژه آن هنگام که وصف «بنیادین»، «اساسی» یا راهبردی به خود می گیرند از یک سو راهنمای دادرس در تفسیر دادگرانه از وقایع و مواد قانونی خواهند بود؛ در عین حال ملاک ارزش گذاری آرای قضایی قلمداد می شوند و از سوی دیگر راهنمای عالمان حقوق در تفسیر آرای قضایی و مقررات قانونی به حساب می آیند (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۸: ۶۷). در عین حال در رسیدگی به برخی از جرایم مانند جرایم اقتصادی به علت سازمان یافتگی و پیچیدگی های خاص آن و به ویژه با توجه به دشواری کشف ادله جرم و اهمیت موضوع در رسیدگی و پاسخ دهی سریع به آن از اصول و قواعد خاصی در رسیدگی های کیفری تبعیت می گردد که مبنای آن در حمایت بیشتر و بهتر از حقوق اجتماع و شهروندان استوار شده است که گاه حقوق دفاعی متهم و اقتضائات آن را با چالش مواجه می سازد (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۸: ۷۱).

در حوزه جرایم اقتصادی، هر چند اصول مشترک حاکم بر دادرسی های کیفری همچنان مبنای رسیدگی کیفری هستند، اما ویژگی های خاص این جرایم، مانند پیچیدگی ادله، سازمان یافتگی رفتارهای مجرمانه، آثار گسترده اقتصادی و ضرورت سرعت در رسیدگی، موجب شده است که قانون گذار در برخی موارد، قواعد و سازوکارهای ویژه ای را پیش بینی کند. از این وضعیت با عنوان دادرسی افتراقی یاد می شود. با این حال، افتراقی بودن دادرسی نباید به معنای نقض یا

تضعیف اصول بنیادین دادرسی کیفری تلقی شود؛ بلکه این قواعد ویژه باید در چارچوب اصول بنیادین، به ویژه اصل برائت، حق دفاع، استقلال قاضی و دادرسی منصفانه، تفسیر و اجرا شوند. در نتیجه، اصول حاکم بر دادرسی کیفری را می توان زیربنای نظام عدالت کیفری دانست که ضمن ایجاد تعادل میان حقوق جامعه در تعقیب بزهکاران و حقوق متهمان در برخورداری از محاکمه عادلانه، مشروعیت و کارآمدی فرآیند دادرسی را تضمین می کنند. در پژوهش حاضر، بررسی اصول حاکم بر دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی بر این مبنا استوار است که هرگونه تمایز در شیوه رسیدگی باید با حفظ این اصول بنیادین و در راستای تحقق عدالت کیفری صورت گیرد.

۳-۱. مفهوم دادرسی افتراقی

دادرسی افتراقی، رویکردی در سیاست جنایی است که براساس آن، قواعد و سازوکارهای آیین دادرسی کیفری متناسب با ویژگی های برخی جرایم، بزهکاران یا بزه دیدگان از نظام عمومی دادرسی متمایز می شود. در این رویکرد، فرآیند رسیدگی، سازمان قضایی و ابزارهای واکنش کیفری با هدف افزایش کارآمدی، دقت و تخصص گرایی، متناسب با ماهیت پرونده ها طراحی و اجرا می شود. جلوه های دادرسی افتراقی با توجه به معیارهایی همچون نوع جرم، ویژگی های مرتکب یا وضعیت بزه دیده شکل می گیرد و به همین دلیل، در همه جرایم به یک شکل اعمال نمی شود. از این منظر، دادرسی جرایم اقتصادی به دلیل پیچیدگی ساختار، شیوه های خاص ارتکاب، آثار گسترده بر نظم و امنیت اقتصادی و ویژگی های مرتکبان، از بارزترین نمونه های دادرسی افتراقی محسوب می شود؛ به گونه ای که قانون گذار با پیش بینی قواعد و ترتیبات ویژه، تلاش کرده است رسیدگی به این دسته از جرایم را متناسب با اقتضات خاص آن ها سامان دهد (نیازپور، ۱۳۹۸: ۲۰۰).

ضرورت هایی مانند خاص و فنی کردن فرآیند رسیدگی و نیاز به ادله کیفری ویژه و تحولات مرتبط با بار اثبات در جرایم اقتصادی و... اتخاذ رویکرد متفاوت در دادرسی را ضروری می سازد؛ رویکردی که هم در خصوص نهادها و کنشگران دادرسی و هم در مورد شیوه و فرآیند رسیدگی و هم درباره ادله اثبات، قواعد سنتی و کلاسیک دادرسی کیفری را دگرگون خواهد ساخت (پاک نیت، ۱۳۹۶: ۲۴).

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای و با مطالعه منابع معتبر حقوقی، شامل کتاب ها، مقالات علمی، پایان نامه ها، قوانین و مقررات و سایر اسناد مرتبط انجام گرفته است. در این پژوهش،

مقررات ناظر بر جرایم اقتصادی، به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی، قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و سایر قوانین خاص، به‌عنوان منابع اصلی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در تحلیل داده‌ها، با استناد به مبانی آیین دادرسی کیفری و با رویکردی مبتنی بر سیاست جنایی تقنینی، تلاش شده است اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی از مجموعه قوانین و مقررات موضوعه استخراج، تبیین و تحلیل شود.

۳. یافته‌های تحقیق

پس از تبیین مفاهیم بنیادین و بررسی مبانی نظری دادرسی افتراقی، نوبت به تحلیل یافته‌های پژوهش در پرتو قوانین و مقررات حاکم بر جرایم اقتصادی می‌رسد. بررسی منابع تقنینی و دکترین حقوقی نشان می‌دهد قانون‌گذار ایران، با توجه به ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی، ازجمله پیچیدگی شیوه‌های ارتکاب، آثار گسترده بر نظم و امنیت اقتصادی، دشواری کشف و اثبات جرم و لزوم حمایت از منافع عمومی، در موارد متعددی از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری عدول کرده و سازوکارهای ویژه‌ای را برای تعقیب، تحقیق و رسیدگی به این دسته از جرایم پیش‌بینی کرده است.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که این قواعد ویژه، هرچند در قوانین مختلف به‌صورت پراکنده وضع شده‌اند، از انسجام مفهومی برخوردار بوده و می‌توان آن‌ها را در قالب اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی تحلیل و تبیین کرد. این اصول، ضمن حفظ چارچوب کلی دادرسی منصفانه، با هدف افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری، تسریع در کشف و رسیدگی، حمایت از نظم اقتصادی و مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی وضع شده‌اند. ازاین‌رو، در بندهای پیش‌رو، مهم‌ترین اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی، با استناد به مقررات قانونی و تحلیل مبانی آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. اصل برائت مشروط

اصل برائت مشروط اصطلاحی است که برای توصیف یکی از ویژگی‌های دادرسی افتراقی در جرایم اقتصادی به‌کار می‌رود و مقصود از آن حذف یا نفی اصل برائت نیست، بلکه بیانگر آن است که اعمال این اصل در برخی جرایم اقتصادی، به‌موجب قانون، با محدودیت‌ها و شرایط ویژه‌ای همراه می‌شود.

به بیان دیگر، در دادرسی کیفری عمومی، اصل برائت اقتضا می‌کند که هر شخص بی‌گناه فرض شود و بار اثبات اتهام به‌طور کامل بر عهده دادستان باشد. اما در برخی جرایم اقتصادی،

به دلیل پیچیدگی رفتارهای مجرمانه، دشواری کشف ادله، استفاده از سازوکارهای مالی پیچیده و ضرورت حمایت از نظم و امنیت اقتصادی، قانون‌گذار گاه قواعدی وضع می‌کند که آثار اصل برائت را تا حدودی تعدیل می‌کند. این تعدیل ممکن است در قالب ایجاد برخی امارات قانونی، تکلیف متهم به ارائه توضیح درباره منشأ دارایی، توسعه اختیارات مقام تحقیق در توقیف اموال یا اعمال برخی تدابیر تأمینی پیش از صدور حکم قطعی مشاهده شود.

در بسیاری موارد مبنای عدول از اصل برائت همان مبنایی است که حاکمیت این اصل در امور کیفری را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر همان‌گونه که عدالت کیفری اقتضا می‌کند که در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد. در موارد خاصی نیز که وجود قرائنی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است (تدین، ۱۳۹۱: ۸۰). این موارد عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که ارتکاب جرم موجب صدمه‌ای شدید به جامعه شده یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی شود و اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان‌پذیر نباشد (شمس ناتری، ۱۴۰۳: ۲۹۳).

معکوس کردن بار اثبات دلیل از این منظر، انتخاب مبتنی بر اصول حقوقی نبوده بلکه انتخاب برآمده از ناتوانی و درماندگی سیستم عدالت کیفری است (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۹۷). برای نمونه در تأمین مالی تروریسم و پولشویی، برخی دولت‌ها، شخص صاحب حسابی را که به یک‌باره، مقادیر قابل توجهی پول به حسابش وارد یا خارج شده را موظف به شفاف‌سازی می‌دانند. اصل برائت در این جا نیز حاکم است ولی اهمیت اتهام باعث شده تا شخص به عنوان متهم شناسایی گردد و به دفاع از عملکرد خود پردازد (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). قانون‌گذار در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، بدون آن که صراحتاً اصل برائت را کنار گذاشته یا اماره مجرمیت را جایگزین آن کند، با پیش‌بینی برخی مقررات خاص، آثار اصل برائت را محدود ساخته است؛ امری که می‌تواند بیانگر پذیرش اصل برائت مشروط و تجلی برخی امارات قانونی به زیان متهم باشد.

در تبصره ماده ۱۱ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی مصوب ۱۳۹۹ آمده که هرگاه براساس قرائن و امارات ظن قوی بر تحصیل اموال نامشروع اشخاص موضوع ماده (۱۰) وجود داشته باشد از قبیل آن که با توجه به موقعیت شغلی امکان تحصیل آن میزان دارایی برای وی ممکن نباشد، اثبات مشروعیت دارایی برعهده متصرف و یا دارنده آن می‌باشد.

همچنین معکوس کردن بار اثبات دلیل در کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم

سازمان یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالمو^۱ نیز پیش‌بینی شده است. این کنوانسیون در بند ۷ ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو می‌توانند این امکان را در نظر بگیرند که مرتکب، منشأ مشروع عوائد یا سایر اموال مورد مصادره را ثابت کنند». کنوانسیون طبق این ماده از دول متعاقد درخواست می‌کند که در ارتباط با اموال مشکوک نیز از متهم درباره اصالت و مشروعیت درآمدهای مورد اتهام و دیگر اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند و در صورت عدم کفایت توضیحات متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال را ضبط و مصادره کنند (موحدی، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

بنابراین، اصل برائت مشروط به این معناست که اصل برائت همچنان به‌عنوان یک اصل بنیادین و غیرقابل انکار بر دادرسی جرایم اقتصادی حاکم است، اما اعمال آن در چارچوب شرایط، استثنائات و محدودیت‌های مقرر در قانون صورت می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که ضمن حفظ حقوق متهم، امکان مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی نیز فراهم شود.

۲-۳. اصل الزام به اعلام جرم

اگرچه مطابق بند «ب» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اعلام جرم یکی از مبانی قانونی آغاز تعقیب کیفری به شمار می‌رود، اما قانون‌گذار این امر را به‌طور کلی به‌عنوان تکلیفی همگانی برای تمامی شهروندان مقرر نکرده است. با این حال، در قلمرو برخی از جرایم اقتصادی، به‌دلیل آثار گسترده این جرایم بر نظام اقتصادی، اعتماد عمومی و منافع جامعه، رویکرد قانون‌گذار داخلی و اسناد بین‌المللی بر توسعه موارد الزام‌آور اعلام جرم و جرم‌انگاری ترک این تکلیف استوار شده است (ابراهیمی و صفایی آتشگاه، ۱۳۹۴: ۲۳).

ویژگی برخی جرایم اقتصادی به‌گونه‌ای است که امکان کشف و جلوگیری از گسترش آثار زیان‌بار آن‌ها در مراحل اولیه ارتکاب بسیار بیشتر از مراحل بعدی است (عباسی، ۱۳۹۳: ۳۳۴). از این‌رو، قانون‌گذار برخی اشخاص، مقامات و نهادهای خاص را مکلف کرده است تا در صورت اطلاع از وقوع این دسته از جرایم، مراتب را به مراجع ذی‌صلاح گزارش دهند. در همین راستا، ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مقامات و مأموران رسمی را موظف می‌کند جرایم غیرقابل گذشت مرتبط با حوزه وظایف خود را اعلام کنند و ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز برای خودداری از انجام این تکلیف، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است.

در همین چارچوب، ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با هدف صیانت از اموال عمومی، مقابله با فساد اداری و جلوگیری از تضییع بیت‌المال، مسئولان، مدیران و ناظران

1. International Convention Against Transnational Organized Crime, 2000 (Palermo Convention).

ذی ربط را مکلف کرده است در صورت اطلاع از وقوع جرایمی نظیر ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی، کلاهبرداری، تدلیس در معاملات دولتی و عمومی و نیز دریافت پورسانت غیرقانونی در معاملات دولتی، موضوع را به مراجع صلاحیت دار اعلام کنند (سفی و اسلامی نیا، ۱۴۰۳: ۵۸). پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای عدم انجام این تکلیف، نشان دهنده اهمیت نقش اعلام جرم در کشف به موقع جرایم اقتصادی و پیشگیری از گسترش آثار زیان بار آن ها است و بیانگر آن است که در دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی، «الزام به اعلام جرم» به عنوان یکی از ابزارهای سیاست جنایی افتراقی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است.

ماده ۶۰۶ مقرر داشته: «هر یک از رؤسا، مدیران یا مسئولین سازمان ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۸۹ که از وقوع جرم ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد ۵۹۹ و ۶۰۳ در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام ننمایند، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد».

با عنایت به پیامدهای گسترده فساد اداری و مالی بر امنیت اقتصادی، اعتماد عمومی، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و فرآیند توسعه پایدار و نیز با توجه به پیوند این پدیده با جرایم سازمان یافته و دیگر اشکال بزهکاری اقتصادی، قانون گذار رویکردی سخت گیرانه تر نسبت به تکلیف اعلام جرم اتخاذ کرده است. در همین راستا، ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، خودداری از گزارش موارد فساد را واجد وصف کیفری دانسته و بدین ترتیب، دامنه مسئولیت اشخاص مکلف به اعلام جرم را نسبت به مقررات پیشین توسعه داده است.^۱

۱. ماده ۱۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد: «کلیه مسؤولان دستگاه های مشمول این قانون موظفند بدون فوت وقت از شروع یا وقوع جرائم مربوط به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ درصد (پورسانت) در معاملات داخلی یا خارجی، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، دخالت در معاملات دولتی در مواردی که ممنوعیت قانونی دارد، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیرمجاز یا تصرف غیرقانونی در وجوه یا اموال دولتی یا عمومی و یا تضييع آن ها، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ وجه یا مال غیرقانونی یا امر به اخذ آن، منظور نمودن نفعی برای خود یا دیگری تحت هر عنوان اعم از کمیسیون، پاداش، حق الزحمه یا حق العمل در معامله یا مزایده یا مناقصه و سایر جرائم مرتبط با مفاسد اقتصادی در حوزه مأموریت خود بلافاصله باید مراتب را به مقامات قضائی و اداری رسیدگی کننده به جرائم و تخلفات گزارش نمایند، در غیر این صورت مشمول مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی می شوند. تبصره- هر یک از کارکنان دستگاه های موضوع این قانون که در حیطه وظایف خود از وقوع جرائم مذکور در دستگاه متبوع خود مطلع شود مکلف است بدون اطلاع سایرین مراتب را به صورت مکتوب و فوری به مسؤول بالاتر خود و یا واحد نظارتی گزارش نماید در غیر این صورت مشمول مجازات فوق می شود».

این ماده، قلمرو حکم مقرر در ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) را از دو جنبه گسترش داده است. نخست، از حیث اشخاص مشمول؛ علاوه بر مدیران و مسئولان دستگاه‌های اجرایی، اعضای شوراهای اسلامی و برخی نهادها و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای را نیز در زمره مکلفان به اعلام جرائم قرار داده است. دوم، از حیث موضوع جرم، تکلیف اعلام را محدود به جرایم سنتی علیه اموال عمومی ندانسته، بلکه آن را به سایر مصادیق مفاسد اقتصادی، از جمله تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت غیرقانونی، اعمال نفوذ برخلاف حق، تحصیل مال از طریق نامشروع^۱ و جرایم مشابه نیز تسری داده است. افزون بر این، تبصره ماده ۱۳ کارکنان دستگاه‌های مشمول را نیز مکلف کرده است در صورت اطلاع از وقوع این جرایم در چارچوب وظایف اداری خود، مراتب را به صورت فوری و کتبی به مقام مافوق گزارش کنند؛ در غیر این صورت، مشمول ضمانت اجرای کیفری خواهند بود.

در تکمیل این سیاست کیفری، ماده ۱۴ قانون یادشده دایره اشخاص مکلف را گسترده‌تر کرده و بازرسان، کارشناسان رسمی، حساب‌برسان، حسابداران و سایر اشخاصی را که به اقتضای وظایف حرفه‌ای خود از وقوع جرایم اقتصادی یا مصادیق فساد مطلع می‌شوند، در صورت خودداری از اعلام آن، مستوجب مجازات شناخته است (خالقی، ۱۴۰۴: ۹۴). این مقررات نشان می‌دهد قانون‌گذار در حوزه مهم‌ترین جرایم اقتصادی، با عدول از قاعده اختیاری بودن اعلام جرم در دادرسی کیفری عمومی، «الزام به اعلام جرم» را به عنوان یکی از جلوه‌های دادرسی افتراقی و ابزاری برای کشف سریع‌تر جرایم و پیشگیری از گسترش آثار زیان‌بار آن‌ها مورد پذیرش قرار داده است.

۳-۳. اصل الزام به انتشار اسامی محکومان

انتشار هویت محکومان یا «تشهیر کیفری» یکی از نهادهای شناخته‌شده در حقوق کیفری است که هدف آن صرفاً تحقیر یا بی‌آبرو ساختن محکوم نیست، بلکه آگاه‌سازی افکار عمومی، تقویت بازدارندگی، حمایت از نظم عمومی و افزایش شفافیت در برخورد با برخی جرایم را دنبال می‌کند. در این شیوه، هویت یا حکم محکومیت شخص، مطابق ضوابط قانونی، در معرض اطلاع عموم قرار می‌گیرد. قانون‌گذار این نهاد را در دو قالب پیش‌بینی کرده است؛ گاه به عنوان مجازات مستقل و در مواردی نیز به عنوان مجازات تکمیلی که در کنار مجازات اصلی اعمال می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشار حکم محکومیت عمده‌تاً در قلمرو جرایم

۱. جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، علی‌رغم آنکه در شمار جرایم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی نیست، به موجب ماده ۱۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مشمول الزام به اعلام جرم است.

تعزیری مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۹ این قانون، «انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها» را از جمله مجازات‌های تعزیری درجه شش برشمرده^۱ و ماده ۲۰ نیز این ضمانت اجرا را در خصوص اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است.^۲ در جرایم بیان‌شده در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصل بر الزامی و حتمی بودن دستور انتشار حکم محکومیت توسط دادگاه است و چنانچه دادگاه تصمیم به منتشر نکردن حکم محکومیت داشته باشد، باید با بیان دلیل احراز کند که این اقدام موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه خواهد شد.^۳

اگرچه تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی از واژه «جرم» استفاده کرده است، اما با ملاحظه مجموعه مقررات حاکم بر قاچاق کالا و ارز، نمی‌توان دامنه شمول این حکم را صرفاً به مصادیق مجرمانه محدود دانست. براساس ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، احکام و قواعد عمومی مربوط به جرایم و تخلفات موضوع این قانون تابع مقررات قانون مجازات اسلامی است و در عین حال، ماده ۵۷ همان قانون، تمامی مصادیق قاچاق، اعم از جرم و تخلف، را در زمره جرایم اقتصادی محسوب کرده است. بنابراین، حکم انتشار محکومیت موضوع ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر محکومیت‌های کیفری، ناظر بر تخلفات قاچاقی است که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی قرار دارد.

در تبصره ماده ۳۶ به «جرم» اشاره شده است، ولی با توجه به اینکه از یک‌سو به موجب ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرایم و تخلفات موضوع این قانون تابع قانون مجازات اسلامی است و از سوی دیگر، در ماده ۵۷، مطلق قاچاق اعم از جرم و تخلف از مصادیق جرایم اقتصادی دانسته شده است، انتشار حکم محکومیت شامل تخلفات قاچاق

۱. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درخصوص درجه بندی مجازات‌های تعزیری در درجه شش به انتشار حکم قطعی دادگاه در رسانه‌ها تصریح کرده است: ... انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها.

۲. ماده ۲۰- در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: ... ج- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.

۳. یکی از اصول مسلم حاکم بر قانون‌نگاری، آن است که تبصره الحاقی به یک ماده، باید ابعاد مبهم آن ماده را تبیین یا قلمرو آن را مشخص ساخته یا تحدید کند. اندکی دقت در ماده مورد بحث، گویای عدم ارتباط میان تبصره و ماده فوق می‌باشد؛ زیرا متن ماده ناظر به یکی از کیفرهای تکمیلی و تبصره آن، عهده‌دار بیان یک کیفر اصلی الزامی می‌باشد. انتظار معقول آن است که تبصره این ماده، ملاک روزنامه محلی، یا معیار اخلال در نظم و امنیت را تبیین کند نه آنکه یک قاعده حقوقی مستقل که اقتضای پیش‌بینی ماده‌ای جداگانه را دارد، در قالب تبصره گنجانده شود (توجهی، ۱۳۹۴: ۶۸).

در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی نیز می‌شود. با توجه به اینکه حکم به انتشار محکومیت مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن در طبقه‌بندی مجازات‌ها جزو مجازات‌های اصلی می‌باشد، ضرورت ذکر آن در حکم صادره توسط مراجع ذیصلاح وجود دارد؛ موضوعی که در عمل بعضاً مورد غفلت مراجع مذکور قرار می‌گیرد (رستمی غازانی، ۱۴۰۱: ۱۵۹).

افزون بر این، انتشار حکم محکومیت در نظام حقوقی ایران صرفاً یک اقدام اطلاع‌رسانی یا اداری نیست، بلکه به موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، دارای ماهیت کیفری و از آثار قانونی محکومیت محسوب می‌شود. از این رو، مرجع رسیدگی کننده مکلف است در موارد مشمول، ضمن صدور حکم محکومیت، دستور انتشار آن را نیز به صراحت در رأی قید کند.

۳-۴. اصل تمرکزگرایی رسیدگی‌ها

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دادرسی افتراقی در جرایم اقتصادی، تمرکز صلاحیت رسیدگی در مراجع قضایی مشخص است (پاک‌نهاد، ۱۳۹۶: ۳۳۵). ویژگی‌های خاص این دسته از جرایم، از جمله پیچیدگی ساختارهای مالی، ارتباط با فعالیت‌های سازمان‌یافته، فراملی بودن برخی رفتارهای مجرمانه، تعدد متهمان و گستردگی ادله، موجب شده است که رسیدگی به آن‌ها در چارچوب قواعد عمومی صلاحیت، همواره پاسخگوی نیازهای عملی نظام عدالت کیفری نباشد. از این رو، قانون‌گذار با پیش‌بینی صلاحیت اختصاصی برای برخی دادگاه‌ها و تمرکز رسیدگی در مراجع معین، کوشیده است ضمن ایجاد هماهنگی در فرآیند دادرسی، از پراکندگی رسیدگی، صدور آرای متعارض و اطاله دادرسی جلوگیری کند. بر این اساس، اصل تمرکزگرایی در رسیدگی‌ها را می‌توان اصلی دانست که بر مبنای آن، رسیدگی به جرایم اقتصادی یا برخی از مهم‌ترین مصادیق آن، از صلاحیت عام دادگاه‌ها خارج و در مراجع قضایی مشخص و محدود متمرکز می‌شود تا انسجام، سرعت و کارآمدی دادرسی افزایش یابد.

این رویکرد در قوانین خاص مرتبط با جرایم اقتصادی به وضوح قابل مشاهده است. به موجب ماده ۱۱ قانون مبارزه با پولشویی (اصلاحی ۱۳۹۷)، رسیدگی به جرم پولشویی و جرایم مرتبط در صلاحیت شعبی از دادگاه‌های عمومی تهران قرار گرفته و در صورت نیاز، شعبی با همین صلاحیت در مراکز استان‌ها تشکیل می‌شود. بدین ترتیب، قانون‌گذار از توزیع صلاحیت میان تمامی محاکم عمومی پرهیز کرده و رسیدگی به این دسته از جرایم را در مراجع مشخص متمرکز ساخته است. همچنین براساس تبصره این ماده، هرگاه مرتکب جرم پولشویی از مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، در حالی که مرتکب جرم منشأ مشمول این مقررات نباشد، رسیدگی به اتهام پولشویی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران یا مرکز استان

انجام خواهد شد. این حکم نیز در راستای تمرکز صلاحیت و ایجاد وحدت در رسیدگی به پرونده‌های حساس اقتصادی قابل ارزیابی است.

تمرکز صلاحیت در این موارد، بیانگر آن است که قانون‌گذار برای تضمین انسجام در رسیدگی، هماهنگی میان مراجع قضایی، ارتقای کیفیت تصمیمات قضایی و افزایش کارآمدی مقابله با جرایم اقتصادی، از الگوی تمرکزگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی افتراقی بهره گرفته است.

۳-۵. اصل تسریع در رسیدگی

یکی از اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی، اصل تسریع در رسیدگی است. مقصود از این اصل، انجام فرآیند دادرسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن با حفظ تضمین‌های دادرسی منصفانه است، نه رسیدگی شتاب‌زده یا فدا کردن دقت به نفع سرعت. از این رو، تسریع در رسیدگی باید به گونه‌ای تحقق یابد که ضمن رعایت حقوق طرفین، از اطاله دادرسی و بی‌اثر شدن واکنش کیفری جلوگیری شود. اهمیت این اصل در جرایم اقتصادی از آن جهت است که تأخیر در رسیدگی، افزون بر کاهش بازدارندگی مجازات، می‌تواند زمینه انتقال، اختفا یا تطهیر عواید حاصل از جرم، از بین رفتن ادله، پیچیده‌تر شدن فرآیند کشف حقیقت و گسترش آثار زیان‌بار اقتصادی را فراهم سازد. بنابراین، رسیدگی در مدت متعارف و معقول، افزون بر آنکه یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، نقش مهمی در حفظ کارآمدی نظام عدالت کیفری و تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی ایفا می‌کند (شفیعی خورشیدی، ۱۳۹۹: ۴۶).

با وجود این، سرعت در رسیدگی نباید به معنای عدول از اصول بنیادین دادرسی یا تضییع حقوق دفاعی متهم تلقی شود؛ بلکه مقصود، حذف تشریفات غیرضروری، مدیریت صحیح فرآیند رسیدگی و جلوگیری از وقفه‌های غیرموجه است. در همین راستا، قانون‌گذار در جرایم اقتصادی با پیش‌بینی سازوکارهای ویژه، کوشیده است میان دو ارزش «کارآمدی» و «دادرسی منصفانه» تعادل برقرار کند و از این رهگذر، واکنش کیفری را متناسب با ماهیت این دسته از جرایم سامان دهد.

تجلی این سیاست را می‌توان در آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاط‌الگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۹ مشاهده کرد. براساس ماده ۴ این آیین‌نامه، تحقیقات مقدماتی از زمان تشکیل پرونده تا تکمیل تحقیقات و اعلام نظر نهایی دادسرا باید بدون وقفه و در حداقل زمان ممکن انجام شود. همچنین، چنانچه مدت تحقیقات مقدماتی از سه ماه تجاوز کند، دادستان مکلف است ضمن بیان دلایل تأخیر، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان و دبیرخانه ویژه مستقر در حوزه معاون اول قوه قضائیه گزارش کند. این الزام، نشان‌دهنده اهتمام

قانون‌گذار به نظارت مستمر بر روند رسیدگی و جلوگیری از اطاله غیرموجه تحقیقات در پرونده‌های مهم اقتصادی است.

همچنین، قانون‌گذار در مرحله رسیدگی دادگاه نیز تدابیر ویژه‌ای برای تحقق این اصل پیش‌بینی کرده است. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۵ آیین‌نامه مذکور، جلسات دادگاه باید، تا حد امکان، به صورت متوالی و بدون فاصله برگزار شود و تنها در مواردی که انجام تحقیقات تکمیلی ضرورت داشته باشد، امکان تجدید وقت رسیدگی وجود دارد. افزون بر آن، تبصره ۲ همان ماده مقرر می‌دارد هرگاه رسیدگی دادگاه بیش از دو ماه به طول انجامد، رئیس دادگاه موظف است علت این امر را به رئیس کل دادگستری استان و معاون اول قوه قضائیه گزارش کند. پیش‌بینی چنین سازوکارهای نظارتی بیانگر آن است که قانون‌گذار در دادرسی جرایم اقتصادی، تسریع در رسیدگی را صرفاً یک توصیه اداری تلقی نکرده، بلکه آن را به عنوان یکی از الزامات دادرسی افتراقی و ابزاری برای افزایش اثربخشی عدالت کیفری، حفظ منافع عمومی و مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی مورد توجه قرار داده است.

نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون پیچیدگی شیوه‌های ارتکاب، سازمان‌یافتگی، آثار گسترده بر امنیت و نظم اقتصادی، دشواری کشف و تعقیب و قابلیت انتقال و پنهان‌سازی عواید نامشروع، اقتضائات متفاوتی را در حوزه دادرسی کیفری ایجاد می‌کنند. بررسی قوانین و مقررات حاکم بر این دسته از جرایم نشان می‌دهد که قانونگذار ایران، هرچند عنوان مستقلی تحت عنوان «اصول دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی» ارائه نکرده است، اما با وضع قواعد ویژه در قوانین مختلف، نظامی افتراقی را در فرآیند تعقیب، تحقیق و رسیدگی به این جرایم پایه‌گذاری کرده است. از این رو، می‌توان با تحلیل مجموعه این مقررات، اصولی را استخراج کرد که بیانگر سیاست جنایی تقنینی قانون‌گذار در مواجهه با جرایم اقتصادی است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نخستین جلوه این دادرسی افتراقی، اصل برائت مشروط است. اگرچه اصل برائت همچنان از اصول بنیادین دادرسی کیفری محسوب می‌شود، اما در برخی جرایم اقتصادی، به‌ویژه در حوزه مبارزه با پولشویی، قانون‌گذار با پیش‌بینی امارات قانونی و تحمیل تکالیفی بر اشخاص در خصوص اثبات منشأ مشروع دارایی‌ها، قلمرو اعمال این اصل را محدود کرده است. این رویکرد، به معنای حذف اصل برائت نیست، بلکه بیانگر آن است که در پرتو مصالح عمومی و ضرورت مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی، اصل یادشده در مواردی با قیود و محدودیت‌هایی همراه شده است.

اصل دوم، الزام به اعلام جرم است که یکی از مهم‌ترین ابزارهای کشف به‌موقع جرایم اقتصادی به‌شمار می‌رود. قانون‌گذار با جرم‌انگاری ترک اعلام برخی جرایم اقتصادی و توسعه دامنه اشخاص مکلف به گزارش‌دهی، از رویکرد سنتی مبتنی بر اختیار در اعلام جرم فاصله گرفته و گزارش‌دهی را در مواردی به یک تکلیف قانونی تبدیل کرده است. این سیاست، بیانگر آن است که در جرایم اقتصادی، مشارکت فعال مقامات، کارکنان دستگاه‌های اجرایی و برخی اشخاص حرفه‌ای در فرآیند کشف جرم، بخشی از نظام دادرسی افتراقی محسوب می‌شود.

سومین اصل، الزام به انتشار اسامی محکومان است. برخلاف قاعده عمومی که انتشار حکم محکومیت غالباً جنبه اختیاری دارد، قانون‌گذار در خصوص بخش قابل توجهی از جرایم اقتصادی، انتشار حکم قطعی محکومیت را به‌عنوان یک الزام قانونی مقرر کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که شفافیت، آگاهی عمومی، تقویت اعتماد اجتماعی و افزایش بازدارندگی، از اهداف مهم سیاست جنایی در حوزه جرایم اقتصادی است و از همین رو، انتشار محکومیت از یک اقدام صرفاً اطلاع‌رسانی فراتر رفته و به یکی از ابزارهای مقابله با فساد اقتصادی تبدیل شده است.

همچنین، بررسی قوانین خاص مؤید آن است که اصل تمرکزگرایی در رسیدگی‌ها از دیگر مؤلفه‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی است. اختصاص صلاحیت رسیدگی به برخی جرایم اقتصادی، ازجمله پولشویی به مراجع قضایی مشخص، بیانگر آن است که قانون‌گذار با تمرکز صلاحیت، در پی ایجاد وحدت رویه، افزایش انسجام در رسیدگی، ارتقای کیفیت تصمیمات قضایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی مراجع رسیدگی بوده است. تمرکز صلاحیت، علاوه بر کاهش پراکندگی رسیدگی‌ها، زمینه مدیریت مؤثرتر پرونده‌های پیچیده اقتصادی را نیز فراهم می‌سازد.

در نهایت، اصل تسریع در رسیدگی نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های دادرسی افتراقی جرایم اقتصادی به‌شمار می‌رود. مقررات ویژه ناظر بر انجام بدون وقفه تحقیقات مقدماتی، برگزاری متوالی جلسات دادگاه و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی در صورت طولانی شدن فرآیند رسیدگی، نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار، سرعت در رسیدگی را لازمه مقابله مؤثر با جرایم اقتصادی دانسته است. البته این تسریع، به‌معنای عدول از الزامات دادرسی منصفانه یا کاستن از حقوق دفاعی متهم نیست، بلکه هدف آن جلوگیری از اطاله دادرسی، حفظ ادله، جلوگیری از انتقال عواید نامشروع و افزایش اثربخشی واکنش کیفری است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که دادرسی جرایم اقتصادی در حقوق ایران بر پایه مجموعه‌ای از قواعد ویژه استوار است که از قواعد عمومی آیین دادرسی کیفری فاصله گرفته‌اند، اما این فاصله‌گیری با هدف تأمین مصلحت عمومی، حفظ سلامت نظام اقتصادی و افزایش

کارآمدی عدالت کیفری صورت پذیرفته است. بر این اساس، اصولی همچون برائت مشروط، الزام به اعلام جرم، الزام به انتشار اسامی محکومان، تمرکزگرایی در رسیدگی‌ها و تسریع در رسیدگی را می‌توان مهم‌ترین اصول دادرسی افتراقی حاکم بر جرایم اقتصادی دانست. با این حال، تحقق اهداف این نظام مستلزم آن است که مراجع قضایی در اجرای این مقررات، همواره میان ضرورت مبارزه مؤثر با جرایم اقتصادی و رعایت تضمین‌های بنیادین دادرسی منصفانه تعادل برقرار کنند؛ زیرا مشروعیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری، در گرو جمع میان تأمین منافع عمومی و صیانت از حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص است.

کتابنامه

- ابراهیمی، شهرام؛ صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۴). رویکرد قانون‌گذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶ (۲).
- ابراهیمی، شهرام؛ صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲ (۵).
- پاک‌نهاد، مصطفی (۱۳۹۶). *افتراقی شدن دادرسی کیفری*. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- تدین، عباس؛ باقری‌نژاد، زینب (۱۳۹۸). اصول حاکم بر دادرسی کیفری اقتصادی. *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسن نیازپور، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- تدین، عباس (۱۳۹۱). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴). *آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. ایران، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- حسینی، جعفر؛ مهرا، نسرین (۱۳۹۴). نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲ (۳).
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۲). نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای. *حقوق اسلامی*، ۱۰ (۳۸).
- خالقی، علی (۱۴۰۴). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. ایران، تهران: انتشارات شهردانش.
- سیفی، داود؛ اسلامی‌نیا، قاسم (۱۴۰۳). کتمان جرائم در پرتو نظام کیفری ایران، لبنان و سوریه. *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۱).
- شفیعی خورشیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری افتراقی در جرایم اقتصادی*. رساله دکتری، رشته فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۴۰۳). برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، در علوم جنایی. *مجموعه مقالات در نکوداشت دکتر محمد آشوری*، ایران، تهران: سمت.

- رستمی، هادی (۱۳۹۷). ماهیت و آثار جرایم اقتصادی در قوانین کیفری ایران. سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رستمی، غازی، امید (۱۴۰۱). آیین دادرسی افتراقی بزه قاچاق کالا و ارز. ایران، تهران: میزان.
- عباسی، اصغر (۱۳۹۳). مبارزه با پولشویی در اسناد بین المللی و نظام حقوقی ایران. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قربانی، علی (۱۳۹۰). دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. ایران، قم: انتشارات حقوق امروز.
- موحدی، جعفر (۱۳۹۵). معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری. ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- میرزایی، محمد؛ رضایی، محسن (۱۳۹۹). سیاست جنایی معطوف به امنیت و آزادی. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی. به کوشش امیرحسن نیازپور، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۸). تاثیرگذاری مسئولیت کیفری بر افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری. دانشنامه مسئولیت کیفری، به کوشش محسن شریفی، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.